

## سرمقاله

علی جوادی  
روزنامه‌نگارشهروند و مافیا در  
فدراسیون فوتبال

این روزها در فدراسیون فوتبال هر که را نگاه کنی به دنبال یارگیری است. مجموعه‌ای کامل از اختلاف نظر، تفاوت دیدگاه و دشمنی‌های آشکار و پنهان که در شمال کلی سعی می‌کنند مجموعه را دارای اتحاد و اتفاق نظر نشان دهند.

مهدی تاج در دوره جدید مدیریتش قرار بود فقط به مسائل بین‌المللی ورود کند و اداره فوتبال کشور را به مهدی محمدنی بسپرد. این دقیقاً عین تصمیمی بود که ۳ روز مانده به موعد ثبت نام مجمع انتخاباتی گرفته شد. حالا اما رئیس فدراسیون فوتبال ترجیح می‌دهد هیچ موردی را به دیگران واگذار نکند چون مشخص است به فردی غیر از خودش اعتماد ندارد.

تصمیم‌های نادرست و پیاپی او در فدراسیون موجب شد شکافی عمیق بین او و محمدنی به وجود بیاید و این یک مورد به هیچ شکلی پنهان نماند.

اختلاف نظر آشکار در میان اعضای هیأت رئیسه موجب شده تاج به دنبال یارگیری باشد و اتفاقاً چند نفرشان را هم به راه‌های مختلف جذب کرده است.

انتخاب دبیرکل یکی دیگر از دلایل جدا شدن راه رئیس و نایب رئیس یک فدراسیون بود اما تاج صلاح نداشت این بار هم نظر نبی را بپرسد. مدیر روابط عمومی هم هر روز با یکی از اهالی رسانه تماس می‌گیرد و به او پیشنهاد می‌دهد «بیا یک گوشه کار را بگیر». گستره این تماس‌ها مدت‌هاست از تهران خارج شده و حتی به خبرنگاران مشهوری سفارش می‌شود با احسان اصولی مشکلی نداشته باشند!

گویا مهدی تاج (که می‌داند حد اکثر تا شهریور ۱۴۰۳ رئیس فدراسیون فوتبال است) ترجیح می‌دهد اختیار تمام امور را در دست خود داشته باشد و فراموش کرده که تنها تصمیم‌انفرداش در دوره قبل مدیریتش منجر به فاجعه‌ای تمام عیار و ثبت یکی از سنگین‌ترین و زشت‌ترین قراردادهای تاریخ فوتبال ایران شد.

حالا بازی شهروند و مافیا به درون فدراسیون فوتبال هم رسیده. همه با تردید و نگاهی آمیخته با اتهام به یکدیگر نگاه می‌کنند چون کسی نمی‌داند فرد مقابلش، خودی است یا دشمن و این بدترین شکل اداره فوتبال ایران است.

حالا فدراسیونی داریم که مدیرانش با هم اتفاق نظر ندارند. لیخندهای مصنوعی و رفاقت‌های صوری، تعریف مختصر فضای داخلی فدراسیون فوتبال است. پس از برهه‌های خطرناک و اتفاقات زشت برای فوتبال ایران، نیاز به هماهنگی، اتحاد و اعتماد داشتیم تا آینده روشن از دل این یکپارچگی خارج شود اما گویا مهدی تاج صلاح می‌داند فوتبال در لاف‌های از ابهام و غرق در مه پلان‌کلیفی بماند. با این اوصاف باید از همین حالا فاتحه جام ملت‌های سال آینده را خواند.



## پاکو خمس :

خوشحالم گزینه تیم ملی هستم

پاکو خمس سرمربی تراکتور درباره حمایت هواداران و همچنین مطرح شدن نامش برای هدایت تیم ملی ایران، گفت: «در مورد اینکه من شاید گزینه تیم ملی باشم باید سه مورد را بگویم.

برایم خیلی رضایتبخش است با وجود زمان کمی که اینجا هستم این خبر منتشر شود. با گذشت زمان این تجربه را دارم. نباید تمرکز را روی کارهایی که بر عهده من است از دست بدهم.»



## احسان اصولی:

تیم فوتبال زنان با اقتدار قهرمان شد

احسان اصولی، سخنگوی فدراسیون و رئیس کمیته فوتبال دربار قهرمانی تیم ملی فوتبال زنان در رقابت‌های کافا گفت: «قهرمانی تیم ملی فوتبال بانوان ایران در رقابت‌های کافا ۲۰۲۳ را تبریک می‌گویم. دختران ما با درخشش و اقتدار بسیار بالایی توانستند قهرمان این تورنمنت شوند. فوتبال ما در آقایان و بانوان همیشه در آسیا و جهان حرف برای گفتن داشته و با اقتدار در میادین مختلف تیم‌های ما حضور پیدا کرده‌اند.»



## جمشید نورشرق:

امیدواریم هفته اول اسفند آزمون واسطه‌ها را برگزار کنیم

نورشرق رئیس کمیته وضعیت درباره آزمون واسطه‌های نقل و انتقالات گفت: «با توجه به تقاضای زیادی که فدراسیون برای تصدی و اشتغال امر نقل و انتقالات از سوی اشخاص مختلف با آن مواجه است، با همکاری هیأت رئیسه و تاج مقدمات در حال انجام است و در هفته اول اسفند آزمون واسطه‌های نقل و انتقالات را برگزار می‌کنیم. از افرادی که متقاضی این کار هستند دعوت کردیم ثبت نام کنند تا پس از طی مراحل مقدماتی آزمون برگزار شده و اسامی تأییدشدگان منتشر خواهد شد.»

## دل مدیران فدراسیون چه بزرگ است!

## تنبلی عظیم در انتخاب سرمربی تیم ملی



## ZOOM

موضع نه تأیید  
نه تکذیب

مهدی تاج اخبار مرتبط با مورد نظر بودن هکتور کوپر آرژانتینی برای هدایت تیم ملی را تکذیب کرده و آن را خلاف واقعیت دانسته ولی او و همکارانش با اصرار شدید و لجابت غریبی از اعلام رسمی نام کاندیداهای احراز این سمت خودداری کرده و حتی در قبال نام افرادی که دائماً در اخبار رسانه‌ها به آنها اشاره می‌شود، موضع «نه تأیید، نه تکذیب» را در پیش گرفته‌اند. قدیمی‌ها در توصیف فرد یا افرادی که در انجام دادن کارهای ضروری بیش از حد صبر می‌کنند و هیچ عجله‌ای به خرج نمی‌دهند، از ضرب‌المثل نغز و بسیار پرمنعای «دل‌اش خلی بزرگ است» بهره می‌گیرند. حالا این وصف سران فوتبال ما از تاج و نبی و قنبرزاده گرفته تا افشاریان و البته آقای اصولی است که دل‌شان آنقدر بزرگ است که شاید در پاییز سال بعد هم بگویند: «کار انتخاب سرمربی تیم ملی در دست اقدام است و هر موقع قضیه قطعیت یافت و انتخاب نهایی انجام شد، اطلاع‌رسانی عمومی خواهد شد!»

## وصال روحانی

روزنامه‌نگار

در خصوص انتخاب سرمربی جدید تیم ملی فوتبال ایران آنقدر تأخیر شده و حرف‌های ضد و نقیض بر زبان‌ها آمده است که برخی می‌پندارند این کار اصولاً سخت و بشدت زمانبر است حال آنکه چنین نیست و تأخیرهای زیاد و طولانی فدراسیون ما در این زمینه محصول عملکرد ضعیف این نهاد و رعایت نکردن اصول بدوی و بدیهی این کار است.

از زمانی که کنار گذاشتن مربی قبلی قطعی می‌گردد و بر سر آوردن یک مربی جدید اجماع می‌شود، انجام دادن بقیه کارها آنقدرها هم به گذشت زمان طولانی نیاز ندارد. کافی است گزینه‌های این پست مشخص باشند، روی آنها بحث و رایزنی شود، با یکی- دو نفری که از غربال اولیه می‌گذرند و به مرحله نهایی انتخاب می‌رسند،

مصاحبه حضوری یا از طریق ای‌میل مذاکره شود و سپس براساس شرایط و مصالح موجود و آنچه گزینه‌های نهایی به‌عنوان برنامه کار خود ارائه داده‌اند، جمع‌بندی نهایی توسط هیأت رئیسه و کمیته فنی فدراسیون صورت گیرد و گزینه ارجح انتخاب و معرفی شود. شاید فرد معرفی شده گزینه «اصلح» نباشد ولی فردی که نامش می‌آید، لایه در میان گزینه‌های در دسترس و فاقد قرارداد با سایر کشورها بر دیگر کاندیداهای احراز این سمت رجحان داشته است. با توضیحات فوق بیشتر مشخص می‌شود فدراسیون فوتبال ما با هدایت توأم با میانروی مهدی تاج چه تنبلی عظیمی در این امر داشته و چه توجیه‌های نه‌چندان واقعی‌ای را برای این سهل‌انگاری مضر کرده است.

یک سالی که آنقدرها هم یک  
سال نیست!

این بهانه که پرداختن به کارهای ضروری‌تر بحث انتخاب سرمربی تیم

ملی را به تأخیر انداخته، بهانه قابل قبولی نیست زیرا هیچ یک از اموری که فدراسیون طی دو ماه و اندی سپری شده از زمان حذف یوزها از جام جهانی ۲۰۲۲ به آنها پرداخته، اموری حیاتی نبوده‌اند مگر اینکه دو، سه انتخاب و انتصاب داخل فدراسیون و حفظ یکی، دو سرمربی تیم‌های ملی رده‌های سنی پایه (یا فوتبال) را مهم‌تر از انتخاب فردی بدانیم که باید هدایتگر تیم ملی بزرگسالان در جام ملت‌های آسیای ۲۰۲۳ باشد.

نکته دوم تأکیدی است که برخی مقام‌های فوتبال ما و دوستان بر «زمان داشتن» و دور نبودن مرحله نهایی جام ملت‌های آسیا دارند و می‌گویند: «یک سال تا آن موقع وقت باقی است، پس چرا عجله کنیم.» این قسمت از ماجرا هم به گونه‌ای غلط است زیرا اگر قرار باشد فدراسیون از خیر همکاری مجدد با کارلوس کی‌روش بگذرد (که بهتر است بگذرد و خود او هم پیام خداحافظی گذاشته است)

زیر یک سال رسیده‌ایم و فرصت باقی مانده تا شروع رقابت‌ها حدود ۱۱ ماه و ۲۰ روز است.

## فصل پرداختن به انباشت‌ها

اگر هم صبر سران فدراسیون که ظاهراً پایان‌ناپذیر است، استمرار یابد و در نهایت انتخاب سرمربی جدید به بعد از عید نوروز موکول شود، هر کس که به سر کار آید، فقط ۹ یا حداکثر ۱۰ ماه وقت برای انجام کارهای لازم خواهد داشت. تازه، فراموش نکنیم که انباشت مسابقات برگزار نشده و باقی مانده از سال ۱۴۰۱ که طبعاً به بهار ۱۴۰۲ موکول خواهد شد، به حدی است که فرصت و مکانی برای تحرکات سرمربی جدید یوزها و برگزاری اردوها و دیدارهای تدارکاتی در طول فصل بهار باقی نخواهد گذاشت و مربی تیم ملی فقط از آخرین روزهای بهار و در اوایل تابستان فرصت رتق و فتق کارها را خواهد داشت و شروعی مؤثر در تاریخی زودتر از این برایش متصور نخواهد بود.

## تحلیل

### سرنوشت این لیگ اصلاً مشخص نیست

زیادی رو در رو هستند. شکست ۱-۰ هفته گذشته این تیم مقابل فولاد در اهواز به روش‌هایی نه چندان منصفانه‌ای نسبت داده شد که پرسپولیس‌ها مدعی اتخاذ و اجرای آن توسط جواد نکونام و مردان وی هستند اما مگر آوردگاه اهواز در سال‌های اخیر با چنین موارد محدود کننده‌ای همراه و عجیب نبوده و آیا این فرایندی قابل پیش‌بینی برای یحیی گل‌محمدی و شاگردان وی نبود.

در واقع پرسپولیس به این خاطر در اهواز تسلیم و صدرنشینی‌اش سست شد که تدابیر فنی لازم

را برای شکستن مقاومت فولاد نداشت و کم آورد و اینکه ابزار شکل‌گیری این مقاومت در اردوی فولاد را عادلانه یا ناعادلانه بین‌گاریم، تغییری در اصل ماجرا ایجاد نمی‌کند. اصل ماجرا در یک لیگ ۳۰ هفته‌ای این است که یک مدعی جدی قهرمانی باید حتماً فورواردهایی تیزهوش داشته باشد که از کمترین فرصت‌ها بیشترین گل‌ها را بسازند. نسبت و معادله‌ای که در پرسپولیس برعکس است. حالا نه فقط سپاهان که به دو امتیازی یاران وحید امیری رسیده بختی برابر با آنها برای قهرمانی دارد

لیگ برتر فوتبال کشور در حالی از عصر امروز (چهارشنبه ۱۲ بهمن) وارد هفته هجدهم خود می‌شود که به رغم پیشتازی محسوس پرسپولیس در جدول رده‌بندی از هفته دهم به بعد، سرنوشت نهایی آن و سیمای تیم قهرمان به هیچ روی معلوم نیست.

سرخ‌های تهرانی به سبب نداشتن یک گلزن ذاتی و دائمی و پر نشدن جای خالی یورگن لوکادای هلندی که طی فقط هشت بازی شش گل برای این تیم زد (و سپس به دلایل واهی ایران را ترک کرد) با احتمال‌های ناشناخته و مخاطرات

بلکه گل‌گهر سیرجان هم جری‌تر شده و استقلال هم این امید را یافته که فاصله ۵ امتیازی‌اش را با رقیب قدیمی بیش از پیش کاهش دهد و طی چهار، پنج هفته پیش رو با پرسپولیس که مهاجمانش در گل نزدن بودن رقابتی شانه به شانه با یکدیگر دارند، در جدول رده‌بندی همسطح و حتی پیش‌تاز شود. تا اواخر هفته گذشته و در شرایطی که پرسپولیس ۵ امتیاز از طلائیه‌های اصفهان و ۸ پوئن از آبی‌های تهرانی پیش بود، احساسی کاملاً متفاوت وجود داشت و این گمان قوت گرفته بود که سرخ‌ها

در تمام مسابقات برگزار نشده و باقی مانده از سال ۱۴۰۱ که طبعاً به بهار ۱۴۰۲ موکول خواهد شد، به حدی است که فرصت و مکانی برای تحرکات سرمربی جدید یوزها و برگزاری اردوها و دیدارهای تدارکاتی در طول فصل بهار باقی نخواهد گذاشت و مربی تیم ملی فقط از آخرین روزهای بهار و در اوایل تابستان فرصت رتق و فتق کارها را خواهد داشت و شروعی مؤثر در تاریخی زودتر از این برایش متصور نخواهد بود.